

نقل قول خبر



محمد مخبر

معاون اول رئیس‌جمهور

در بحبوحه دوران جنگ تحمیلی و با حملات موشکی سنگین دشمن بعثی، روال زندگی عادی مردم در شهرها ادامه داشت. این بخش مغفول از تاریخ دوران دفاع مقدس به‌درستی و به‌طور کامل پرداخته نشده‌است که منازل و مغازه‌های مردم به واسطه حملات هوایی و اصابت موشک توسط دشمن ویران و تخریب می‌شد اما مردم با کمک، همکاری و همراهی یکدیگر ویرانی‌ها را بار دیگر آباد می‌کردند که همین وحدت و اتحاد، رمز پیروزی کشور در برابر دشمن تا دندان مسلح بود. ایستنا

**حجت‌الاسلام علی لقمانپور****مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع‌مقدس قم**

مجوز راه‌اندازی نخستین دانشگاه بین‌المللی جهاد و مقاومت برای باغ موزه انقلاب و دفاع‌مقدس قم صادر شده که با ساخت آن برای جذب دانشجو در مقاطع مختلف اقدام خواهد شد. اکنون ۸رشته خواهد شد. سردار علی محمد اکبری، فرمانده دفاع مقدس، جغرافیا در دفاع مقدس، جامعه‌شناسی در دفاع مقدس و غیره، به همراه ۲رشته روایتگری دفاع مقدس و معارف دفاع مقدس در مقطع کارشناسی و امور فرهنگی و موزه‌داری در مقطع کاردانی در باغ موزه انقلاب و دفاع مقدس قم راه‌اندازی شده است. باشگاه خبرنگاران جوان

خبر

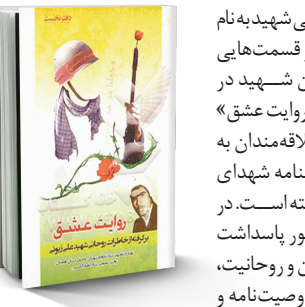
برگزاری کنگره ۱۰ هزار شهید عشایر

کنگره ۱۰ هزار شهید جامعه عشایری با حضور خانواده شهدای عشایر از سراسر کشور در روزهای ۲۹ تا ۳۱ خرداد در شهرکرد برگزار خواهد شد. سردار علی محمد اکبری، فرمانده سپاه استان چهارمحال و بختیاری با اعلام این خبر گفت: امیداست بتوان با بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های استان کنگره‌ای در خور و شأن شهید برگزار شود، سسر دار اکبری برگزاری شب شعر با حضور ۲۰۰ نفر از شعرای نامی کشور، حضور ۵۰۰ نفر از اعضای خانواده شهدای مدافع حرم از جامعه عشایری را از برنامه‌های جنبی این کنگره عنوان کرد.

در همین راستا محسن حسین‌میرزایی، سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار چهارمحال و بختیاری بر ضرورت تقویت فرهنگ قرار گرفتن یاد و خاطره شهدای دفاع‌مقدس و انقلاب اسلامی تأکید کرد و گفت: برگزاری یادواره‌ها و کنگره‌ها نقش مهمی در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت و قدردانی از خانواده شهدا دارد. برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر کنگره کمیته‌های زیرمجموعه ستاد تشکیل شده و هماهنگی‌های لازم به عمل آمده است و انتظار می‌رود تا مردم استان نیز با همراهی و همکاری خود مسئولان را در برگزاری هرچه بهتر این کنگره یاری دهند.

معرفی کتاب

روایت عشق



خاطراتی از روحانی شهید به نام علی زبونی و ذکر قسمت‌هایی از وصیت‌نامه این شهید در کتابی با عنوان «روایت عشق» در دسترس علاقه‌مندان به آشنایی با زندگینامه شهدای معظم قرار گرفته است. در این کتاب به‌منظور پاسداشت مقام شهدیدان و روحانیت، گوشه‌هایی از وصیت‌نامه و زندگی‌های شهیدزمنگی شده و ابعادی از معنویت و اعتقادات این روحانی در ارتباط با مسائل سیاسی در قیل و بعد از انقلاب اسلامی به‌نگارش در آمده‌است. نویسنده در قالب ذکر خاطراتی از این شهید و نقل بخش‌هایی از وصیت‌نامه او، به اخلاق فردی و اجتماعی، اعتقاد و محبت او نسبت به اهل‌بیت(ع) و قرآن کریم، تلاش برای ساخت و رونق دادن به مساجد، راه‌اندازی هیئت‌های عزاداری، علاقه نداشتن به دنیا و متعلقان آن، تلاش برای آشناکردن جوانان با دین اسلام و اندیشه‌های امام خمینی(ره) و سایر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی این شهید اشاره کرده و نمی‌شود پوئیتین نو را به نازهای تهیه کنی، علی با خنده جواب داد گفت علی جان پوئیتین پاره شده چندبار آن را وصله کرده‌ای، آیا نمی‌شود پوئیتین را به نازهای تهیه کنی، علی با خنده جواب داد معلوم نیست این پوئین در کدام بیابان جا بماند و دیگر برنگردد. پوئین را وصله زد، واکس زد و رفت. دیری نگذشت که در جبهه گیلانغرب به شهادت رسید.»این کتاب سال ۱۳۹۱ به همت ستاد یادواره شهدای روحانی استان همدان توسط انتشارات کوثر کویر و نصایح چاپ شده است.

ایثار و مقاومت



پدر شهید محسن غلامی در کنار تصویر فرزندان شهیدش و همسر مرحومش بنویز نظیر علی کلایر

فدایی امنیت وطن

پای صحبت‌های خانواده شهید محسن غلامی، شهید مدافع امنیت در آستانه بیستمین سالگردش

گزارش روزنامه‌نگار **زهرا راد**

سال ۱۳۸۱در منطقه نوسود پاره بر اثر انفجار مین و اصابت ترکش به شهادت رسید. شهید غلامی در زمان شهادت ۳۲ساله بود و در زمان جنگ تحمیلی درحالی‌که فقط ۱۶سال داشت به‌عنوان امدادگر در جبهه حضور یافت. در آستانه سالگرد شهادتش، پای صحبت‌های حاج نعمت‌الله غلامی و زهره کریمی به تر تیب پدر و همسر شهید نشستیم تا از ناگفته‌های محسن بر ایمان بگویند.

حساس به حق الناس و بیت‌المال بود

پدر شهید که به‌تازگی در سوگ همسرش حاجیه‌خانم نظر علی کلهر نشستسته از روزهای کودکی محسن اینگونه می‌گوید: «محسن از نوجوانی مقید به مسائل مذهبی بود و به اقامه نماز اول وقت خیلی اهمیت می‌داد و در خصوص مسئله حق الناس خیلی حساس بود. وقتی ۸سال بیشتر نداشت با من و مادرش در تظاهرات و راهپیمایی علیه رژیم شاه شرکت می‌کرد. جنگ که شروع شد، چون سن کم‌ی داشت اجازه حضور در جبهه به او ندادند. اما شوق رفتن به جبهه و حضور در کنار رزمنده‌ها برای دفاع از وطن نهایت او را در سال‌های آخر جنگ در سن ۱۶سالگی به‌عنوان امدادگر به جبهه کشاند.»

پدر شهید از خصوصیات بارز پسرش اینگونه تعریف می‌کند: «محسن حساسیت زیادی به بیت‌المال داشت و به‌هیچ‌وجه از بیت‌المال برای مصارف شخصی استفاده نمی‌کرد. همانطور که شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی گفتند شرط شهیدشدن، شهیدبودن است، بوی شهادت از رفتار، اخلاق و منش محسن استشمام می‌شد و صد البته که تمام شهدا دارای این مشخصه بودند.»

دل‌نوشته شهید

مکت گاهی به فکرم خطوری می‌کند ای کاش عمری کوتاه مثل گل می‌داشتم که تا قبل از دیدن فریبنده‌های این عالم و مشغول‌شدن به سرگرمی‌های آن به‌خود می‌آمدم و تنها به تود دل می‌بستم اما افسوس که تقدیر بر سر نوشت چنین است که من در این جیفه دنیا مدت‌ها بمانم و ناخواسته از خوشی‌هایش بهره‌مند شوم. یارب اگر توفیق تو باشد در این میدان هم باز می‌شود مثل گل ماند و مثل آن رفت.

بازخوانی عملیات بیت‌المقدس به روایت مرتضی یزدی‌منش؛ جانباز جنگ تحمیلی

جنگ تانک با نفر بود!

مژگان مهرابی روزنامه‌نگار

سال‌ها از روزهای پر آشوب دوران دفاع مقدس و حمله تاجوانمر دانه عراق به ایران گذشته اما انگار زمان در آن عصر برای مرتضی یزدی‌منش متوقف شده است: جانبازی که در نوجوانی اسلحه به‌دست گرفت و برای آزادسازی خرمشهر راهی جبهه‌شده بود و آن‌گاه که او هم در دفاع از حریم کشور سهمی داشته باشد. یزدی‌منش هر روز خاطرات تلخ آن روزها را با خود مسرور می‌کند. و برانی خرمشهر، حمله وحشیانه از تش بعثی، از جان‌گذشتگی رزمنده‌ها برای آزادسازی تک‌های از خاک کشور و... اتفاقاتی نیست که او بتواند فراموش کند. چرا احتش را هم از عملیات بیت‌المقدس دارد. وقتی در ورودی شهر بود. در ست چند قدم مانده تا پایش را به خاک خرمشهر بگذارد مجروح شد. اما بی‌توجه به دردی که می‌کشید تا آخرین لحظه تلاش جنگید و امروز خوشحال است که برای فتح این شهر به خون خفته‌قدمی بر داشته است.

در آستانه ۵۷سالگی است. یادگاری از دوران جنگ با خود دارد. این را از طرز راه رفتن و پایی که روی زمین می‌کشد می‌توان فهمید. گله‌ای هم ندارد. خوشحال است که توانسته برای دفاع از کشور قدیمی بر دارد. روزی که خواست به جبهه برود ۱۷سال بیشتر نداشت. به‌دلیل جثه کوچکش اجازه‌اعزام به او ندادند ولی با پارمیانی پدرش موافقت مسئولان پایگاه را گرفت و راهی شد. عملیات بیت‌المقدس شروع شده بود. نیروها گروه به گروه به خرمشهر می‌رفتند تا بتوانند عملیات را پیش ببرند. صدام گفته بوداگر ایرانی‌ها خرمشهر را پس بگیرند بصره را به آنها می‌دهم. انقدر از اقتدار نظامی و نیروهایش مطمئن بود که حتی در خواب هم نمی‌دید که رزمنده‌ها بتوانند وارد خرمشهر شوند. یزدی‌منش خاطره آن روزها را یادآور می‌شود: «معمولا عملیات‌ها ۳ تا ۴روز طول می‌کشید و عملیات

همه کارهایت خلوص نیت داری که من مطمئنم اجر شهید را خواهی داشت. محسن همیشه به من سفارش می‌کرد اگر کسی به کمک مالی نیاز داشت لازم نیست به من بگویی، هیچ وقت از کمک کتر نیازمندان دریغ نکن. گاهی پیش می‌آمد هر چه حقوق می‌گرفت به نیازمندان کمک می‌کرد به‌طوری که آخر ماه، پولمان تمام‌شده بود و برای خرج زندگی می‌می‌آوردیم.»

راوی مظلومیت مردم حلبچه

گرچه زندگی مشترک زهره کریمی و محسن غلامی کوتاه بود اما همسر شهید سال‌هاست که در کترب یادگار همسر و تنها پسرش با خاطرات محسن زندگی می‌کند. خودش می‌گوید: «همسر بعد از ازدواج، خاطراتی درباره زمانی که در جبهه حضور داشت برایم نقل می‌کرد. از حال و هوای جبهه و رزمندگان می‌گفت. محسن درحالی‌که ۱۶سال داشت به‌عنوان امدادگر به جبهه اعزام شده بود. یک‌بار هم بسال ۱۳۶۶ برای امدادرسانی مردم به حلبچه رفته بود. به‌دلیل آموزش‌های امدادگری، رسیدگی به مجروحان را به‌صورت اوزرآسانی و ترا

رسیدن به مراکز بیمارستانی و در مانگاه برعهده داشت. بیشترین خاطراتی که برایم نقل می‌کرد از رنج و سختی‌ای بود که مردم حلبچه در اثر بمباران شیمیایی متحمل شده بودند. زهره کریمی ادامه می‌دهد: «پسرم در زمان شهادت پدرش دوساله بود و اکنون ۲۲سال دارد. هنوز هم دوستان هم‌محله‌ای محسن وقتی پسرم را می‌بینند برای او از اخلاق خوش و خلوص نیت محسن تعریف می‌کنند. یکی از چیزهایی که اغلب آنها می‌گویند این است که وقتی ما با محسن بودیم، آن روزمان فرق می‌کرد. دلپیش هم این بوده که در محل زندگی‌شان غایب و درختان میوه بسیاری بوده و دوستان محسن نقل می‌کنند که او همیشه مراقب رفتارشان بود که حین بازی به باغ کسی نروند و دست به میوه‌های درختان زنند. رعایت حق الناس برایش



بیت‌المقدس قریب به یک‌ماه ادامه داشت. رزمنده‌ها از نفس افتاده اما جز پیروزی به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کردند. ارتش عراق تا توانسته بود نیرو در خط مقدم و خرمشهر مستقر کرده بود. انقدر که می‌شد گفت جنگ تانک با نفر است. آرایش نظامی انجا توچیعی نداشت. بچه‌ها باید مقاومت می‌کردند.»

برادر از روی پیکر برادر شهیدش رد می‌شد

خرمشهر سختی زیادی متحمل شده و درهای زیادی را به جان خریده بود. چه بی‌حرمتی‌ها که به آن نشده بود. دل شکسته بود از این همه داغی که دیده و خون‌هایی که در خیابان‌هایش جاری شده است. رزمنده‌ها برای تسلی غم بزرگی که شهر به چشم دیده بود از جان مایه گذاشتند. شب و روز جنگیدند. برادر از روی پیکر برادر شهیدش رد می‌شد بی‌آنکه لحظه‌ای درنگ کند. و قتش نبود که بخواهد بایستد و زمان را هدر دهد. رزمنده‌ها در فکر خسته کردن دشمن بودند و حتی می‌شد که یک روز نه غذای خورده‌اند و نه آب کافی نوشیده‌اند. یزدی‌منش خاطره یانک زند رزمنده‌ها به دشمن را بازگو می‌کند: «اگر می‌خواستیم مستقیم وارد شهر شویم قطعا تعداد زیادی از رزمنده‌ها به شهادت می‌رسیدند. فرمانده برای رسیدن به پاسگاه زید مسیری نعل اسبی را نشان داد که از پشت حریم شهر وارد شوند. روی خاک نقشه را می‌کشید و توضیح می‌داد. اما انقدر خسته بودیم که چشم‌هایمان می‌دید اما ذهن مان نمی‌توانست حرف‌های او را ضبط کند. بعد از چندبار توضیح دادن بالاخره توجیه شدیم.» آنها جاده اهواز – خرمشهر را دور زدند. نیمی از نیروها زخمی یا شهید شدند. بودند. از آن تعداد فقط ۸۰ – ۹۰نفر مانده بودند. قرار بود ساعت ۴امداد وقتی رزمنده‌ها به پاسگاه زید رسیدند تا نیم ساعت تأخیر توپخانه فعال شود. اما نااهمانگی پیش آمده باعث شده توپخانه هم‌زمان با قتح پاسگاه اقدام به شلیک توپ کند. همین عراقی‌ها را باخبر کرد و درخواست نیروی کمکی کردند. یزدی‌منش تعریف می‌کند: «فرمانده گردان ما را زدند. من آری جی داشتم. توانستم پاسگاه زید را برزنم. در این حین عراقی‌ها پناه گرفتند و بچه‌ها را با کالیبر زدند.»

یادداشت

غلامحسین کلوی دزفولی؛ رزمنده دفاع مقدس

اهداف دشمن در جنگ شهرها

در طول ۸سال دفاع مقدس مجاهدت‌ها و ایثارهای بی‌بدیلی در ایران اسلامی رخ داد که تعجب و حیرت جهانیان را به دنبال داشت. یکی از این ایثارگری‌ها مقاومت، پایداری و ایستادگی مردم صبور ایران اسلامی در مقابل هجوم تاجوانمر دانه و ددمنشانه دشمن در بمباران، گلوله‌باران و موشک‌باران شهرها و مناطق مسکونی بود. این اقدام دشمن ۲هدف عمده را دنبال می‌کرد: یکی درهم شکستن اراده مردم در پشتیبانی از نظام مقدس جمهوری اسلامی و حضور در میادین رزم و دیگری منهدم کردن زیرساخت شهرهای راهبردی و تخلیه آن شهرها و تسهیل پیروزی لشکریان خود بود. بهترین مصداق این شهرها، دزفول مقاوم است که برابر اصابت ۱۷۶افروند موشک، ۳۳۱راکت، ۸۹ بمب و بیش از ۲۵۰۰گلوله توپ و تخریب ۱۹۰۰۰ منزل مسکونی و مغازه پایداری و استقامت کرده و دشمن را در تحقق اهداف خود ناکام کرده و شکست داد. ولی نکته و سؤالی که برای بسیاری از مردم ایران و آزادگان جهان مطرح است این است که چرا دزفول با این حجم از دشمنی و کینه‌توزی مواجه بود؟

با بررسی‌های انجام شده روشن و مبین شد که ۳عامل اصلی و اساسی نشان‌دهنده کینه و ددمنششی دشمن یعنی است. اول هویت دینی و تعصب انقلابی مردم دزفول است؛ دزفول از ده‌ها سال پیش مهد پرورش روحانیت معظم و معزز و مبارز بوده که شاخص‌ترین‌های آنها عبارت است از: شیخ‌اعظم مرتضی انصاری، آیت‌الله مرعی، آیت‌الله نبوی، آیت‌الله بیگلری و آیت‌الله قاضی دزفولی. همچنین دزفول در مناطق جنوب‌غربی کشور به‌عنوان شهر دارالمومنین معروف بوده که وجود مساجد، حسینیه‌ها،

تکایا، جلسات و هیئت‌های مذهبی، جلسات قرائت قرآن در ستین مختلف در مساجد و برگزاری با عظمت مراسم عزاداری محرم و به‌خصوص در تاسوعا و عاشورا که در کشور بی‌ظکر یا کم‌نظیر باشد؛ از نمونه‌های بارز این ادعاست.

عامل دوم موقعیت ژئوپلیتیکی شهر دزفول است: این شهر در شمالی‌ترین نقطه استان خوزستان قرار گرفته که تصرف و اشغال آن به‌معنای جدا کردن خوزستان از کل کشور خواهد بود و در صورت عدم اشغال و ادامه حیات آن یعنی تنها شاهرگ حیاتی شمال و جنوب کشور و شکست قطعی اهداف راهبردی دشمن در تعرض به جنوب غرب کشور، عامل سوم هم حمایت و پشتیبانی مردم دزفول از جبهه‌ها بود. چه با حضورشان در قالب یک لشکر عملیاتی به‌نام لشکر هفت ولیعصر (عج) و حضور در تمامی جبهه‌ها و عملیات‌های غرور آفرین مانند طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر ۸... و چه با حضور خود در شهر و ایجاد امنیت، نشاط و انگیزه در رزمندگانی که در جبهه‌های نبرد به‌سرمی‌برندند لذا دزفول با مقاومت خود طی دفاع‌مقدس توانست الگوی مناسبی از مقاومت و پایداری در جهان اسلام بوده و این اراده را فرهنگسازی کرده و در تمامی محور مقاومت صادر کند.



خبر

تبدیل خانه‌های دارای ۳ شهید

و سرداران شهید به خانه موزه

مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران از تملک، مرمت و بازسازی خانه سرداران شهید به‌عنوان یک پاتوق فرهنگی و فرهنگی در شهر تهران خبر داد. محمد مؤیدی در جلسه با ایثارگران با بیان اینکه در کنار حفظ میراث ملی و تاریخی، حفاظت از ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز اهمیت دارد، ادامه داد: همانطور که مرمت و حفاظت از خانه‌های تاریخی همچون سیمین و جلال، اخوان ثالث و... برای بهره‌برداری آیندگان ارزشمند است، توجه به خانه‌هایی که ۳شهید و بیشتر برای حفظ انقلاب و کشور تقدیم کرده‌اند نیز حائز اهمیت است. در این خصوص در تلاش هستیم تا با تعامل با مناطق ۲۲گانه ضمن شناسایی خانه‌های دارای ۳شهید و سرداران شهید، آنهاایی را که توسط شهرداری تهران تملک شده به خانه موزه شهدا تبدیل کنیم. بر این اساس جهت اجرای این طرح امیدواریم با همکاری شهرداران مناطق ۴ و ۸ در گام نخست ۲خانه شهید را که توسط این مناطق تملک شده، در اولویت اقدام قرار گیرند.

وی افزود: رسیدگی به وضعیت قبور شهدای گمنام از دیگر تلاش‌های این شرکت است که در این راستا بررسی بهسازی مقبره شهدای گمنام کفهد الشهدا در دستور کار قرار دارد. بنابر اعلام سایت شهر، مؤیدی با بیان این‌س موضوع که امیدواریم بتوان به سستی پیش رفت که شرکت توسعه به‌عنوان یکی از متولیان اصلی حفظ و حراست از میراث تاریخی و فرهنگی در شهرداری تهران، در جهت حفظ جلوه‌گاه‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های انقلابی اقدامات شایسته‌ای را داشته باشد، گفت: شناسایی مدارس شهر تهران که بالای ۲۰ شهید دانش‌آموز را تقدیم کشور کرده‌اند در دستور کار قرار دارد که هم‌اکنون ۱۴ مدرسه که بالای ۱۰۰ شهید دانش‌آموز داشته‌اند به‌طور ویژه در حال بررسی هستند که پس از آن برنامه ویژه‌ای برایشان تدارک دیده خواهد شد.



پیش‌نویس